

بسندهای در این زمینه‌ها دارند، اما ضرورت بررسی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در مقوله وقف برای آشنایی دانش پژوهان با جریانهای بنیادی پژوهش‌های اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است.

مقدمه

زندگی اجتماعی مطلوب انسانها بدون اقتصادی شکوفا و رشد یافته همواره در معرض وابستگی‌های گوناگون قرار دارد. یکی از مسائل مهم اجتماعی موجود در بسیاری از جوامع انسانی به خصوص جوامع مسلمان، مشکلات اقتصادی است. با پذیرش این موضوع که ما معتقد به نقش زیربنایی اقتصادی در جامعه آن چنانکه ایدئولوژی مارکسیسم القا می‌کند، نیستیم، ولی باید به این مطلب اذعان نمود که بسیاری از ابتلائات اجتماعی ما ریشه در مسائل اقتصادی دارد، موضوعی که امروزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و سابقاً به این درجه از اهمیت ملاحظه نمی‌شد، مسائل اقتصادی است، اقتصاد نه تنها در مباحث و زمینه‌های فردی و روابط اجتماعی گروه‌های مختلف دارای اهمیت ویژه‌ای است بلکه برای کل جوامع نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. شکوفایی عظمت جوامع، استقلال و قدرت مقاومت در قبال تهاجمات دشمنان، بسط و گسترش عدالت اجتماعی و ارتقا به کمال مطلوب جوامع بستگی زیادی به میزان برخوردارگی از قدرت اقتصادی دارد. اقتصاد ضعیف و کم خون و بیمار گونه منشأ گرفتاری‌ها و زمینه نابودی ارزشهای اخلاقی و انسانی و حاکمیت‌های غیر الهی است. پیمودن مسیر تقرب الهی و کمال مطلوب چه در جنبه فردی و چه در زمینه‌های اجتماعی بدون فراهم بودن امکانات مادی و اقتصادی، غیر ممکن به نظر می‌رسد. مگر نه این است که هدف از خلقت، رسیدن به کمال و تقرب به درگاه الهی است؟ اگر بپذیریم که یکی از ارکان کمال جامعه اسلامی ما تقدیر و تدبیر در معیشت است همانطور که حضرت امام محمد باقر (ع) فرموده‌اند: «الکمال کل الکمال، التفقه فی الدین والصبر علی النائبه و تقدیر المعیشه»^(۱) آن حضرت می‌فرمایند: اصلاح امور مردم جز به وسیله سه چیز تحقق نمی‌یابد:

۱- فهم دین و شناخت آن ۲- صبر و تحمل مشکلات زندگانی ۳- حسن تقدیر در معیشت و نگه داشتن اندازه در حیات اقتصادی

از آنجا که مواد و مصالح اقتصادی مورد نیاز بشر محدود و دین اسلام دین عدالت اجتماعی و اعتدال در همه امور است، قوانینی را بر اساس جهان بینی الهی در امور مالی و دادوستد مقرر داشته است تا با رعایت اعتدال و میانه روی از هر گونه ظلم و ستم و بی عدالتی و افراط و تفریط مانند اسراف و بخل جلوگیری کند و با اقامه قسط محیط را آنچنان بسازد که هر کس به سهم و حق کامل خود برسد و شکاف طبقاتی بین توانگران و بینویان آن قدر عمیق نشود که موجب ایجاد شعله دشمنی و ستیز گردد. لذا در اقتصاد مردمی اسلام با هدف تعدیل ثروت جامعه گذشته از گرفتن مالیات خمس و زکات از ثروتمندان به نفع افراد نیازمند و فقیر جامعه، با در اختیار داشتن منابع طبیعی و اراضی موات و هزینه نمودن آنها در جهت مصالح عمومی جامعه، با نفوذ عظیم معنوی خود در میان مردم، عباراتی همچون وقف، حبس، هبه، وصیت، صدقه و نذر را نیز مقرر داشته است و سعی می نماید با بالا بردن نیروی انسان دوستی و ایمان و ایثار، ثروتمندان را تشویق به واگذاری قسمتی از مال و دارایی خود به نفع نیازمندان نمایند و به او بیاوراند که وقف در واقع برگ سبزی است که پس از مرگ هم به وی می رسد. بطوری که سعدی گفته:

برگی عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس تو پیش فرست

آثار مثبت این روش عمومی کردن مالکیت هم اکنون به صورت هزاران مدرسه، مسجد، آب انبار، دانشگاه، خوابگاه دانشجویی، باغات، راهها، مراکز مذهبی، مراکز تبلیغات اسلامی، بیمارستان و درمانگاهها، مستحبات و ائینه بشمار دیگری است که در کلیه کشورهای اسلامی به صورت وقف دیده می شود.

بنا به قول ریاست محترم جمهور: «دولت سالیانه مبلغ ۷۰۰ میلیارد تومان یارانه مستقیم و پیدا پرداخت می نماید و هزارها میلیارد تومان یارانه ناپیدا و غیر مستقیم از جمله همین برق یا بنزین و غیره. اگر ما نظام تأمین اجتماعی کارآمدی داشتیم یعنی از نظر بهداشت، درمان بیکاری، بازنشستگی و بسیاری از امور دیگر و نیز رفاه اجتماعی یعنی تأمین نیازهای رفاهی و تفریحی سالم جامعه به حد کافی امکانات بود، آن وقت لازم نبود

که ثروت ملی به این صورت هزینه شود.^(۲)

ایشان در دنباله سخنرانی خود اظهار نمودند که: «طبق آمار ۱۴۰۰ نفر در سراسر کشور به وقف مال خود اقدام کرده‌اند. طبعاً در یک کشور ۶۰ میلیونی خیلی بیش از ۱۴۰۰ نفر می‌توانند در امور خیر شرکت کنند و این کار هم ماندگار است. یعنی کار خیری است که وقتی وقف شد بقیایش هم تضمین شده است.» برای اینکه امر وقف رونق پیدا بکند، علاوه بر تشویق‌های دینی و توصیه‌هایی که مبلغان و اهل دین باید انجام بدهند، ما باید یک ساز و کاری را هم در نظاممان که حکومت و نظام اسلامی است تهیه کنیم و ترتیبی دهیم که کار وقف مورد تشویق قرار بگیرد و تسهیل بشود. یعنی برای وقف و واقف امتیازاتی قرار بدهیم همچنانکه برای تولید؛ مثلاً معافیت‌ها و بعضی زمینه‌های مساعد فراهم کنیم.^(۳) در تاریخ اجتماعی جامعه ما وقف از چه دیدگاهی برخوردار بوده است؟

آیا این سنت (وقف) فقط اختصاص به جوامع اسلامی دارد و یا اینکه در سایر مذاهب و ادیان الهی نیز دیده می‌شود؟ رابطه وقف و عدالت اجتماعی چگونه است؟ آیا وقف می‌تواند نقشی در جریان فقرزدایی جامعه ایفا نماید؟

چه ارتباطی بین واقفین و نیازهای زمان آنها وجود داشته است؟ آیا آنها آگاهانه و با توجه به شناخت نیازهای روز اقدام می‌نمودند؟ و بالاخره نیازهای ضروری جامعه کنونی ما چیست؟ می‌توان از طریق توصیفی و تحلیلی، با جمع‌آوری اطلاعات از کتب و نشریات موجود به آثار اجتماعی سنت وقف در جامعه پی برد. وقتی با اجبار قانونی نمی‌توان از دارایی و ثروت افراد در راه خیر عمومی استفاده کنیم، می‌توان از طریق سنت وقف با ایجاد انگیزه‌های فردی و بطور دلخواه آنها را در این جهت هدایت نمود. آیا وقف در این زمان قادر است نیازهای اجتماعی مردم جامعه را مرتفع نماید؟ و اصولاً این نیازها چه می‌باشند؟ و چگونه می‌توانیم از این ابزار مهم اخلاقی و دینی در جهت فقرزدایی و کاهش روندرو به تزیید فقر برای غنای جامعه استفاده کنیم؟

در این مقاله ابتدا با نگاهی اجمالی تعاریف و مشخصات وقف و تاریخچه آن در جهان مورد بررسی قرار گرفته آنگاه به این سؤال پاسخ داده شده که وقف در جوامع و ادیان دیگر چه وضعیتی داشته و دارد و انواع و اقسام و زمینه‌های مختلف آن کدام است؟ واقفین

چه مشخصات و ویژگیهای شخصی داشته و چه رابطه‌ای بین وقف و عدالت اجتماعی و فقر و نیازهای عمومی وجود دارد در خاتمه به نتیجه‌گیری پرداخته و انشاء... پیشنهادات کاربردی ارائه خواهد شد.

تعریف وقف

در خصوص تعریف وقف آمده است: «وقف (به فتح واو) ایستادن، اندکی درنگ کردن در بین کلام و دوباره شروع کردن و نیز به معنی حبس عین ملک یا مالی و مصرف کردن منافع آن در اموری که واقف معین کند و آنچه که کسی از ثروت خود جدا کند که در کارهای عام‌المنفعه از آن استفاده کنند»^(۴) جالب این است که وقف به معنی دانستن، آگاه شدن و آگاهی است^(۵) و این نشانگر آن است که واقف از روی علم و و به مقصد و نیت راسخ دست به اقدام واقف می‌زند در نتیجه کاری است نه از روی احساسات بلکه آگاهانه و به قصد تقرب الهی و از روی تعقل می‌باشد. واقف از صفات الهی است «هو الواقف علی الضمائر و السرائر». وقف (Waqf) حبس کردن ملک یا مستغلی است در راه خدا.^(۶)

زکات و فطره و اعتاق و هدی و قربانی

توانگران را وقف است و نذر و مهمانی

جزین دو رکعت و آن هم به صد پریشانی^(۷)

توکی به دولت ایشان رسی که نتوانی

نام وقف در صدر اسلام «صدقه جاریه» بوده و این عنوان از حدیثی است که از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل گردیده است.^(۸) شیخ ابو جعفر طوسی (متوفای ۴۶۰ هجری قمری) در کتاب مبسوط، وقف را چنین تعریف کرده است:

«الوقف تحبیس الاصل و تسبیل المنفعة»^(۹) تحبیس، از ریشه «حبس» به معنای زندانی کردن و در قید آوردن و جلوی آزادی چیزی را گرفتن است، زیرا با وقف شدن ملک آزادی نقل و انتقال از آن گرفته می‌شود. تسبیل، در راه خدا آزاد گذاردن است. زیرا منافع وقف برای موقوف علیهم مباح و آزاد است تا از آن استفاده ببرند. بنابراین تعریف وقف، طبق گفته شیخ طوسی، نگاه داشتن اصل ملک و آزاد گذاردن منافع آن است.

وقف در جهان

عمل به وقف منحصر به دین اسلام و کشورهای اسلامی نمی باشد. وقف یکی از اعمال عبادی است که در سایر ادیان در بین مذاهب گوناگون نیز یافت می شود و از روزگاران دور تا کنون بشر این عمل اجتماعی را از سر خیرخواهی و نועدوستی انجام می داده است و تائسان خردمند و نیکوکار و جامعه مآل اندیشی در پهنه دنیا وجود داشته باشد، همچنان ادامه خواهد یافت.

نهاد وقف در فرهنگ فرانسه به نام فونداسیون (Fondation) نامیده می شود در فرهنگ حقوقی فرانسه وقف اینگونه تعریف شده است:

«فونداسیون عبارت است از اختصاص دادن دائمی اموال برای بنیادی عمومی و غیرانتفاعی با اهداف خیرخواهانه و بشردوستانه»* و یا وقف عبارت است از «ایجاد مؤسسات خیریه عمومی و یا منفعت اجتماعی از طریق بخشش»**

در فرانسه قانون اجازه داده است که پدر مالی را به فرزندش هبه نماید و یا به نفع او وصیت کند که در حال حیات از آن بهره مند شود و بعد از مرگ به اولاد یا برادرانش منتقل نماید در گذشته وقف کاملاً به نحوی از انحاء با کلیسا مرتبط بوده است، به عبارت دیگر وقف برای کلیسا و صومعه ها، یا برای متولیان کلیسا، روحانیون و پارسایان در جهت آموزش و تعلیمات مذهبی صورت می گرفته است.^(۱۰)

البته وقف کردن به صورت دیگر هم می تواند تحقق یابد و آن این است که مالک می تواند از دارایی خود مؤسسه ای خیریه به وجود آورد و شخصاً آن را اداره کند و از مقامات مربوط نظیر اداره ثبت اشخاص حقوقی، تقاضا کند که برای آن مؤسسه «شخصیت حقوقی» قائل شوند.

در کشورهای انگلوساکسون برای اموری از قبیل حمایت از بیوه زنان و کودکان و یا انجام کارهای عام المنفعه نوعی از تصرفات مالی وجود دارد که تحت عنوان «تراست»

* Garard corma: *Vocabulaero juridique*, edupf, paris 1987 p.362

** *Le Petit Robert, Dictionnaire de la langue Francaise*, ed. Robert, 1988, Canada.

معروف است و چنین تعریف شده است: «مالی را در اختیار شخص معینی گذاشتن، تا آن را به مصرف شخص دیگری برساند. در این صورت صاحب اختیار را امین یا وصی و شخص استفاده کنند را مستحق می‌نامند.»^(۱۱)

موقوفات و بنیادهای وقفی آلمان و یا اصولاً کشورهای غربی با موقوفات اسلامی و بخصوص شیعی، تفاوت بنیادی دارند. موقوفات خصوصی و بنیادهای وقفی کشورهای اروپایی و بخصوص آمریکای شمالی از ابزارهای رشد، توسعه و تحول فرهنگی جوامع این کشورها می‌باشد. میزان و تنوع امکانات مالی، که از طریق بنیادهای وقفی شخصی، خانوادگی و غیره در اختیار مؤسسات فرهنگی، آموزشی، مراکز پژوهشی، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و نظایر آنها قرار داده می‌شود حیرت‌آور است. یکی از کشورهای موقوفه خیز و بانی بنیادهای جهان غرب، جمهوری فدرال آلمان است که به علت اهمیت دادن به موقوفات در گذشته و بخصوص پس از جنگ جهانی دوم می‌توان از تجارب موفقیت‌آمیز آن استفاده فراوان نمود. بطور مثال طبق آمار منتشره فهرست موقوفات آلمان از سال ۹۰۰ تا ۱۵۵۰ میلادی جمعاً تعداد ۲۲۴ مورد وقفی ثبت شده از سال ۱۸۰۰-۱۵۵۱ این تعداد بالغ بر ۴۸۳ مورد و از سال ۱۹۵۰-۱۸۰۱ به تعداد ۱۸۴۸ مورد رسیده اما بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم یعنی در دوره چهل ساله ۱۹۹۰-۱۹۵۱، ۲۴۸۷ مورد وقفی به ثبت رسیده است.^(۱۲)

در مجموع آمار موقوفات آلمان تا سال ۱۹۹۱ میلادی به تعداد ۵۹۳۳۳ مورد می‌رسد که بین ایالت‌های مختلف آلمان توزیع گردیده‌اند. مقاصد این موقوفات بیانگر نیات واقفین آنها با توجه به نیازهای اجتماعی هر زمان بوده است. بیشترین تعداد موقوفات به تکالیف و تأمین اجتماعی پرداخته یعنی ۳۰۱۲ مورد وقف (۳۳/۸٪) از کل موارد وقف پس از آن ۱۸۵۶ مورد (۲۱٪) به تعلیم و تربیت و آموزش علمی و ۹۹۶ مورد به پژوهش و آموزش عالی (۹/۵٪) پرداخته شده است. اگر بگوییم آلمان کشوری است که قصد دارد به سرزمین موقوفات و بنیادهای وقفی بدل گردد سخنی گزاف نگفته‌ایم.

احزاب سوسیال دموکرات و دموکرات مسیحی هر دو خود را طرفدار بنیادهای وقفی می‌دانند زیرا آنها در بنیادهای وقفی شرکتها و بینگاہهای بزرگ صنعتی آثار اجتماعی شدن

(سوسیالیزاسیون) را می دیدند مانند بنیاد تسپلین* بنیاد وقفی مجتمع صنعتی هاونی** بنیاد فورد*** بنیاد فولکس واگن**** که همگی تحت یک اساسنامه مشخص اداره می شوند. کلیه موقوفات آلمان تحت اتحادیه ای به نام اتحادیه موقوفات جمهوری فدرال آلمان نظارت شده و مسؤلیت اجرای آن را مدیریت شرکت مائسناتا با مسؤلیت محدود***** بر عهده دارد.^(۱۳)

اما در کشورهای اسلامی که وقف یکی از مؤسسات بنیادین فرهنگ و تمدن اسلامی به شمار می رود از ابتدای گسترش اسلام، بسیاری از مؤمنین باری آنانکه به قول سعدی «برگ عیشی به گور خویش» فرستاده باشند سعی می نمودند بخشی از امکانات مالی خود را وقف امور خیریه نمایند. مثلاً در کشور ترکیه اینگونه موقوفات تحت نظارت و اداره اوقاف ترکیه قرار دارد که علاوه بر فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی دارای دو مؤسسه به نام بانک اوقاف و بانک املاک نیز می باشد.^(۱۴)

در کشور هند وزارت اوقاف به نام وزارت اوقاف و امور رفاهی اقلیت های آندراپرادش و سازمانهای اوقاف ایالتی و انجمن های حفظ اوقاف مساجد، قبور و املاک وقفی و یا انجمن های آموزشی و فرهنگی وجود دارد.^(۱۵)

هر یکی از نظامهای حقوقی در خصوص وقف در کشورهای مختلف جهان کم و بیش و از جهاتی به وقف در اسلام شباهت دارند البته هر قوم و ملتی با توجه به فرهنگ و سنن و آیین خود عناوین و نهادهای خاصی را برای انجام اموری که در اسلام به عهده وقف محول شده است، دارند و این امر بیانگر آن است که وقف موضوعی فطری و نشانه انسان دوستی و احسان است.

* Zeppelinstiftung

** Hauni-Werke

*** Ford Foundation

**** Volkswagen Stiftung

***** Maecenata Managemengt G.M.B.H

تاریخچه وقف در ایران

سابقه تاریخی وقف در ایران به دوران پیش از اسلام می‌رسد و در آیین مهر و مهرپرستی و آیین یکتاپرستی زرتشتیان و در کتب و ادعیه مذهبی آنها به خوبی ذکر گردیده است مانند:

- نیکوکاری و نذر درگاتها (سرودهای زرتشت)

- نیکوکاری و نذر و نیازها در قبال اوستای کنونی (سینا، ویسپرد، یشت‌ها)

- اندرزنامه‌های موبد موبدان آذر بدمهر اسپندان در خصوص نیکی و نیکوکاری

- بحث راجع به قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان و مطالبی که راجع به وقف و امور خیریه در آن آمده است.^(۱۶)

با بررسی وقف‌نامه‌های آن دوران می‌توان به نیت و اقفین و اهداف آنان پی برد. مردم شناسان باروش ژرف‌نگری انگیزه‌های افراد واقف را به شیوه استقرایی مورد بررسی قرار می‌دهند که حائز اهمیت است.

پس از ورود اسلام به ایران شیوه وقف اسلامی در ایران رایج گردید و «دیوان اوقاف» در نیمه دوم قرن چهارم هجری به وجود آمد و با تأسیس این دیوان دولتها در شؤون وقف دخالت فراوان کردند و قسمت مهمی از بودجه و مخارج دولتها از درآمد اوقاف تأمین گردید که این امر نوعی سوءاستفاده دولتها از درآمدهای اوقاف محسوب می‌گردید.

در دوران سلجوقیان موقوفات زیادی خصوصاً در زمینه احداث مدارس «نظامیه‌ها» وجود داشت بطوری که جمله موقوفات این مدارس به شصت هزار دینار می‌رسید.^(۱۷) طبق آنچه که در کتب تاریخی و سیاحت‌نامه‌ها در مورد سلسله صفویه آمده وقف در زمان این سلسله گسترش زیادی یافت و شاید در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران شاهد موقوفاتی به وسعت موقوفات این مقطع از تاریخ نبوده است. حتی خود شاهان صفویه در رأس افراد خیری بودند که اقدام به وقف و اموال خود می‌کردند. درآمد موقوفات در عصر صفویه عموماً در موارد اجتماعی صرف می‌شد. برای نمونه یکی از رقبات موقوفه خواجه کریم‌الدین موقوفه عقدا (بین راه یزد) بود که بر طبق نظر واقف به هر فردی از زوار مشهد که از این ده رد می‌شد یک جفت گیوه و یک من نان می‌دادند.^(۱۸)

وقف‌نامه‌های زیادی که از دوران صفویه به ما رسیده است حکایت از همت عالی و بینش عمیق و انسان‌دوستی واقف یا واقفین آنها است و بیانگر روح لطیف آنان می‌باشد. چرا که آنها در زمانهایی که در هیچ فرهنگ و تمدنی برای فقرا و بینوایان فکری نشده بود و آنان در فقر و فلاکت به سر می‌بردند واقفین با همت عالی خود با الهام از ایدئولوژی اسلامی، املاک و مستغلات زیادی را برای فقرا و محرومین وقف می‌کردند.

تاورنیه در سفرنامه خود آورده است که در عصر صفویه، بویژه دوران شاه‌عباس اول، کاروانسراهای متعددی ساخته شد که تعداد آنها را در ایران ۹۹۹ باب نوشته‌اند. اما در سفرنامه شاردن آمده است که تعداد کاروانسراهای موجود شهر اصفهان ۱۸۰۲ باب بوده است که این تعداد در عصر قاجاریه به ۶۰ باب کاهش یافته که هم‌اکنون از آنها به صورت پارکینگ، انبار کالا، کارگاههای تولیدی بویژه بافندگی استفاده می‌شود.^(۱۹)

اصفهان را شهر موقوفات بزرگ خوانده‌اند زیرا دارای مدارس وقفی بسیار، آب‌انبارها، کاروانسراها، مساجد و باغات و اراضی کشاورزی متعدد بوده است و طبق آمار منتشره از طرف سازمان اوقاف و امور خیریه اصفهان درآمد اوقاف استان اصفهان در سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۵۹۳۸۱۷۷۶۴ ریال بوده است.^(۲۰)

پس از دوران صفویه در دوران افشاریه و زندیه موقوفات از اختیار متولیان خارج و مورد سوءاستفاده پادشاهان و متنفذین قرار گرفت و حرمت و قداست آن شکسته شد. پس از برقراری مشروطیت، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تصویب گردید ضمناً قانون اوقاف مشتمل بر ۱۰ ماده به تصویب رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران وظایف سازمان اوقاف وسیعتر و پیچیده‌تر گردید و امور حج و خیریه نیز به آن اضافه گردید و سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به وجود آمد.^(۲۱)

در سال ۱۳۶۳ به پیشنهاد و پیگیری حجة الاسلام امام جمهرانی ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه و نماینده حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری قانون ابطال اسناد فروش آب و اراضی موقوفات به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. ضمناً مؤسسه صندوق عمران موقوفات کشور به منظور بهره‌برداری صحیح از موقوفات در چارچوب قانون و شرع مقدس اسلام و نیز اجرای دقیق نیت واقفین که موجب جلب اعتماد افراد

خیر و گسترش فرهنگ وقف می‌گردد، تأسیس گردید. بدون شک پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، هزاران رقبه از موقوفاتی که بر اثر سهل‌انگاری و یا خیانت رژیم سابق حیف و میل شده و از وقفیت خارج شده بوده و وقفیت اصلی خود بازگشت بطوری که می‌توان گفت امروزه با پیشرفتهایی که در علوم و فنون و روشهای علمی و رایانه‌ای رخ داده است احتمال سوء استفاده‌ها کاهش یافته و به مرور ایام حفظ و حراست از موقوفات شکل متکامل‌تری به خود گرفته است.

انواع و اقسام وقف

وقف نیز مانند هر پدیده اجتماعی دیگر گوناگون است که حاکی از وسعت کارکردهای آن است از جمله انواع آن عبارت است از:

۱- **وقف اموات:** وقفی است که مقصود از آن کارهایی نظیر روضه‌خوانی برای مردگان و غیره است. تکریم و بزرگداشت متوفی و طلب مغفرت برای او از جمله آداب و رسوم و سنن اجتماعی است که در اکثر فرهنگ‌ها و از جمله در فرهنگ اسلامی ماریشه و سابقه دیرینه داشته و لذا چنانچه فردی ملکی یا مالی را در زمان حیات و یا پس از مرگ خود برای خود یا دیگری در این امر وقف نماید این امر علاوه بر کارکردهای دینی وقف، موجب کارکردهای اجتماعی مثبتی نیز در جامعه می‌گردد و سبب می‌گردد همبستگی و روحیه انسجام جمعی تقویت گردد.

۲- **وقف خاص:** وقفی است که مختص دسته‌ای معین و خاص باشد مانند وقف بر اولاد یا بر افراد و طبقه‌ای خاص از مردم. نیاز به توضیح نیست که این نوع وقف موجب ایجاد حسن رابطه بین خویشان و نزدیکان و یا دسته و طبقه‌ای خاص از مردم با فرد واقف و یا بازماندگان وی می‌گردد.

۳- **وقف عام:** وقفی است که مقصود از آن امور خیریه است و مخصوص دسته و طبقه معین نیست مانند وقف بر فقرا و طلاب در مدارس و مساجد.^(۲۲) بدیهی است کلیه افرادی که به نحوی از امور خیریه بهره‌مند می‌گردند ضمن احترام به واقف، نام وی را جاودانه می‌سازند. این امر گام مهمی است در تقلیل شکاف‌های قشرهای مختلف مردم و

گامی است عملی در راه فقرزدایی. هر چند ممکن است به علت کمبود وقف به شکل چشمگیری فقرزدایی صورت نگیرد اما نفس عمل و فعل وقف عام دارای این قابلیت است که در صورت افزایش موارد آن بتواند منشأ کارکردهای مشخصی در روابط بین اقشار اجتماعی جامعه گردد. شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی که در گلستان و بوستان خود با بینشی اجتماعی به پند و اندرز مردم جامعه خود پرداخته در این باره می‌گوید:

نشاید جزبه وجود نعمت برهنه‌ای پوشیدن یا در استخلاص گرفتاری
کوشیدن...» (۲۳)

۴- وقف مؤبد: وقفی است که مصرف آن عادتاً منقرض نمی‌شود مانند وقف بر فقرا و مساکین.

۵- وقف منقطع: عبارت است از وقف غیر مؤبد و به بیان دیگر وقف بر عده‌ای که غالباً منقرض می‌شوند. مانند وقفی که واقف بر اولاد خویش نماید و به یک یا چند بطن اکتفا کند که صحت چنین وقفی مورد اختلاف می‌باشد. (۲۴) ابن بطوطه در خصوص انواع و اقسام موقوفات دمشق می‌نویسد: «... این موقوفات از حیث تنوع موارد مصرف آن، خارج از حد شما است یک دسته از این موقوفات مخصوص کسانی است که استطاعت مالی برای رفتن به حج ندارند و مخارج مسافرت آنان از محل اینگونه موقوفات پرداخته می‌شود. یکدسته دیگر موقوفه‌ها هست که از محل درآمد آنها برای دختران فقیر که می‌خواهند شوهر کنند جهیزیه تهیه می‌شود. یک دسته دیگر وقف برای آزاد کردن اسیران است، دسته دیگر وقف ابناء السبیل است که به اندازه کفاف خوراک و پوشاک و خرجی راه به آنان پرداخته می‌شود. اوقاف دیگر هم برای راهسازی و نگهداری و سنگ‌چین کردن آنها معین شده و موقوفات دیگر نیز برای مصرف سایر امور خیریه در این شهر وجود دارد.» (۲۵)

بطور مختصر اوقاف عامه برای رفع نیازمندیهای عمومی و در جهت استقرار تکافل اجتماعی مانند مصارف و موارد: مساجد، مدارس، آبگینه و قنوات، مسافرخانه‌ها، بیمارستانها، کتابخانه‌های عمومی، تعمیر پلها و معابر عمومی، قبرستانها، بچه‌های سر راهی، ایتام، معلولین، درماندگان، زندانیان، کمک و وام به تجار و غیره به کار گرفته می‌شد.

هم اکنون در کشور ما حدود ۷۰ بیمارستان وقفی وجود دارد که توسط مردم اداره می‌شوند. ۳۰ بیمارستان وقفی که برای خدمت به مردم در اختیار دولت است، تعداد ۴۰۰ در مانگه وقفی و خیریه و متجاوز از ۹۰۰۰۰ موقوفه در غالب ۷۰۰۰۰ رقبه وقفی که درآمد آن در اختیار مردم است همه از برکات وقف می‌باشد. در ایران اسلامی حدود ۶۰۰۰۰ باب مسجد توسط مردم ساخته شده. ۲۵۰۰ نفر در اختیارات ادارات مربوط به موقوفات، مساجد و بقاع متبرکه سراسر کشور است و حدود ۱۰۰۰۰ نیروی مردمی با آنها مشارکت دارند. افراد متعهد و متدین به صورت اعضای هیأت‌امنا که در خدمت وقف و موقوفات قرار گرفته‌اند بیانگر زیباترین جلوه مشارکتهای مردمی در امور خیریه است.^(۲۶)

انگیزه و ویژگی واقفین

در تاریخ اجتماعی ما توصیه به وقف از طرف علما و مصلحین دینی و اجتماعی مبتنی بر تعالیم اسلامی رواج زیادی داشته. وجود سنت پررونق وقف و آثار به جای مانده از دوران گذشته حکایت از صحت این ادعا دارد سعدی علیه‌الرحمه در این باره گفته است: «... هر که در حال توانایی نکویی نکند در وقت ناتوانی سختی بیند»^(۲۷)

ای که دست می‌رسد کاری بکن پیش از آن که تو نباید هیچ کار
 «هر کس در زندگانی نانش نخورند چون بمیرد نامش نبرند، لذت انگور بیوه داند نه خداوند میوه...»^(۲۸) و یا:

نام نیکی بماند ز آدمی به کز او ماند سرای زرنگار
 قطعاً واقفین پذیرفته‌اند که آنچه را از ثروت و توانمندی کسب نموده‌اند، همه متعلق به خودشان نیست و این آرامش و امنیت و امکانات اجتماعی بوده که زمینه جمع‌آوری ثروت و رشد مالی آنها را فراهم آورده است و اگر مجموعه این شرایط وجود نمی‌داشت آنها به هیچ وجه قادر به ثروت‌اندوزی نمی‌گردیدند.

کنت دوگوبینو* در کتاب سه سال در ایران می نویسد: «... یکی از نکاتی که مسافری اروپایی را در ایران قرین حیرت می نماید، این است که در این کشور بین غنی و فقیر کینه و دشمنی وجود ندارد. در اروپا دشمنی میان طبقه های پایین و بالا باعث انقلاب ها و خون ریزی ها زیادی شده و حال آنکه در ایران طبقه غنی و فقیر همزیستی دارند و علت آن است که در ایران توانگران و طبقه بالا نسبت به طبقه فقیران و مردم بینوا به نظر تحقیر نمی نگرند این است که معتقدند چون خدا ایشان را فقیر آفریده و این تقدیر خداوندی است باید بر ایشان رحمت آورد...»^(۲۹)

بی شک یکی دیگر از علت های همراهی و یاری توانگران از بینوایان پیروی از اصول تعلیم دین اسلام است و به آن سبب است که هر ثروتمندی حتی در زمان حیات خود یک قسمت از دارایی خود را وقف مصارف نیازمندان می کند در ایران کم ثروتمندی را پیدا می کنید که قسمتی از اموال خود را برای رفع احتیاج نیازمندان به مصرف نرساند.

مادام کارلاسرن نیز در سفرنامه خود درباره نحوه وقف و سایل و اراضی جهت احداث نکایا و حسینیه های برای مراسم عزاداری امام حسین (ع) می نویسد: «... اشخاصی که ثروت کافی برای تحمل تمامی هزینه های راه انداخته "تکیه" ای را ندارند، به سهم خود مبلغی تقبل می کنند. گاهی بطور دسته جمعی، زمینی می خرند و یا برای ماه محرم آن را اجاره می کنند. وقف پول یا اهدای هدیه هایی از قبیل پارچه، فرش و چیزهای دیگر به "تکیه" عمل بسیار ستایش انگیزی است. اشیاء و قفی یا اهدایی و دیعه ای مقدس محسوب و معمولاً در اختیار ملائی گذاشته می شود...»^(۳۰)

اصولاً فرهنگ وقف، فرهنگی است اجتماعی و انسانی، زیرا تحصیل سود بیشتر و استثمار افراد را مد نظر نداشته، بنابراین واقف خیراندیشی است که به قصد "قربه الی الله" و برای بهبود زندگی و رفع احتیاجات افراد جامعه از اموال و دارایی خود می گذرد.

فلسفه وجودی وقف دستگیری از کسانی است که به نحوی از انحاء دچار محرومیت اقتصادی و یا اجتماعی گردیده اند. خواه این محرومیت ناشی از شرایط نامساعد

اقتصادی-اجتماعی باشد و یا به دلیل نقص جسمی و ذهنی فرد نیازمند، در هر صورت فرد نیازمند باید بر اساس اصل تکافل اجتماعی مورد حمایت جامعه قرار گیرد و این امر قبل از آنکه امری دولتی باشد، امری است انسان دوستانه و دینی که در تعالیم مذهبی جایگاه ویژه‌ای دارد.

در روایات از وقف با عنوان "صدقه جاریه" نیز تعبیر شده است لذا واقفین به قصد ثواب اقدام به عمل وقف می‌نمایند و در نتیجه وقف یک عمل عبادی است. در حدیث نبوی آمده است: «وقتی انسان بمیرد دنباله کارهای نیک او بریده می‌شود جز سه چیز، صدقه جاری و دانشی که کسان از آن بهره‌ور شوند و فرزند در ستکاری که برای او دعا کند»^(۳۱)

از دیگر ویژگیهای واقفین تأسی به پیغمبر اسلام (ص) و ائمه اطهار و حضرت زهرا (س) است، اهمیت وقف در نظر ائمه (ع) تا آنجاست که حضرت امیر (ع) که بیشترین موقوفه را داشته‌اند در یکی از وقف‌نامه‌هایشان می‌فرمایند: «... به منظور جلب رضایت الهی تا به سبب آن مرا داخل بهشت برین فرماید. او از آتش دورم دارد و آتش را از صورتم دور فرماید در روزی که صورت‌هایی سفیدند و صورت‌هایی سیاه.»^(۳۲)

انگیزه واقفین در عمل وقف چیست؟

آنچه در پیری می‌تواند غم‌انگیز باشد این است که پیران با دیدگانی آرزومند به پشت سر خود نگاه کرده و فقط درد و رنج‌ها را می‌بینند و موقعیت‌های گذشته را در مقایسه با وضعیت فعلی اسفبار و مملو از کمبود و ناتوانی‌ها می‌بینند روحیه یأس و بدبینی در اکثر پیران به وفور دیده می‌شود و فقط آن دسته از آنان که به آینده امیدوارند و جریان زندگی را مدارم و سیال می‌بینند علی‌رغم محافظه‌کاری، ترس و رکود و جمود و بدبینی بنا به دلایل مذهبی آموزش‌های دینی نگاهی هم به آینده انداخته و برای زندگی در دنیای دیگر توشه‌ای برمی‌گزینند. ویل دورانت معتقد است هر سنی در زندگی محسنات و معایبی دارد و دارای تکالیف و لذاتی است. او جدولی تنظیم کرده و در سه مقطع جوانی، میانسالی و پیری ویژگیهای افراد را متذکر کرده شده است.

وی معتقد است که وقتی جایگاه خود را در دنیای اقتصادی پیدا کردیم طغیان جوانی

فرو می‌نشینند و تندروری را کنار می‌گذاریم و به آزادیخواهی ملایمی گرایش پیدا می‌کنیم. قسمتی از محافظه‌کاری روزافزون دوره میانسالی معلول دانش و اطلاع ما از پیچیدگی رسوم و عرف و عادت و آگاهی از معایب و نواقص ما می‌باشد ولی قسمت دیگر آن معلول کاهش نیرو است که موجب عفت و اخلاق مردان از کار افتاده است. آنها از مرحله هنر و دانش گذشته و دین و حکمت مبنای عمل و رفتار آنهاست. (۳۳)

واقفین هم مراحل جوانی و میانسالی خود را معمولاً طی کرده‌اند و از مرحله بازی و کار گذشته‌اند و در مرحله استراحت دست به وقف اموالشان می‌زنند.

با توجه به جدول و پیل دورانت می‌توانیم نتیجه بگیریم که اکثریت واقفین:

- نیازهای اولیه‌شان مرتفع شده و به نیازهای متعالی تری می‌اندیشند.
- آنها دوست دارند مورد توجه دیگران واقع گردیده و فراموش نشوند.
- بنابراین بر اساس حکمت و دینداری و سنن و آداب و رسوم اقدام به وقف می‌نمایند تا ضمن عمل به فرمان الهی، نیاز فردی و انگیزه‌های درونی خود را نیز پاسخ گفته باشند. (۳۴)

وقف و تأمین اجتماعی

یک مشکل بزرگ در جوامع انسانی، تنظیم و ایجاد تعادل بین خواست‌های فردی و خواست عمومی افراد اجتماع است به عبارت دیگر مشکل اساسی زندگی بشر ناشی از سرشت اوست. چگونه می‌توان تضاد بین انگیزه‌های ذاتی پراکنده آدمی را با مصالح عمومی اجتماعی که او در آن زیست می‌کند، هماهنگ و یا متعادل نمود؟

همانطوری که انگیزه‌های ذاتی مشکل‌زا می‌باشند، ندای فطرت و آیین حق و حنیف الهی می‌توانند مشکل‌گشا باشد، خداوند تعالی درباره آن اینگونه سخن می‌گوید:

فاقم وجهک للدين حنيفاً فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الذين القيم و لكن اكثر الناس لا يعلمون (سوره روم آیه ۳۰)

اسلام دولت را مکلف به تأمین کامل وضع معیشتی عموم نموده است در صورتی که دولت قادر به این عمل نباشد مردم بنا بر اصل کفالت همگانی، این مسؤولیت را بر عهده

دارند. (۳۵) نسبت به کارهای خیریه و امور اجتماعی، به افراد مسلمانان، با توجه به سبب و جهت و میزان نیاز، با توجه به بنابر اصل کفالت اجتماعی یعنی مسؤلیت انسانها نسبت به یکدیگر، مسلمانان مکلف به تأمین نیاز یکدیگر می‌باشند. همانطوری که قبلاً نیز ذکر شد وظایف دولت اسلامی از طریق موارد معین و مشخص روشن گردیده ولی در دورانی که دولت اسلامی بر سر کار نباشد و یا اگر حکومتی اسلامی وجود دارد ولی به دلایلی قادر به تأمین نیاز مندیهای مردم نیست در آن صورت مردم کفیل یکدیگرند که برخی از محققان این وظیفه را تکافل اجتماعی نام نهاده‌اند. (۳۶)

در حدیث آمده است: «الناس کلهم سواسیة کاسنان المشط»

(مردم همچون دندانهای شانه با هم برابرند.) بنابراین انسان دوستی و محبت به هم‌نوع می‌تواند به نوعی تفسیری عرفانی داشته باشد و آن عشق و ورزی با خدا باشد و طبق «قانون حفظ نفوس محترمه» مسلمانان موظف به توجه و حمایت از هم‌نوع خود می‌باشند و بالاتر از آن در مورد سایر مسلمانان وظیفه فرد مسلمان شدیدتر می‌شود زیرا قرآن فرموده: «انما المؤمنون اخوة». اهتمام به کار مسلمین در قرآن و روایات و احادیث مؤکد و بطور متواتر مورد بحث واقع شده و هیچ‌گونه ابهام و تفسیر دوگانه‌ای ندارد. برای پرداخت هزینه‌های موارد مذکور، اسلام دو راه پیش‌بینی نموده است:

الف- وجوهاتی که جنبه واجب و اجباری دارد مانند نفقه، کفارات و نذورات و عهود.
ب- وجوهاتی که جنبه اختیاری دارد مانند وقف، صدقه و احسان، وقف از بنیادهای حقوقی اسلام که به این استحکام و ظرافت در تاریخ حقوق جهانی سابقه ندارد و حجم این وقف‌ها به قدری است که در کشورهای مسلمان وزارتخانه‌ها و سازمانهای عریض و طویل برای نگهداری و حفظ و اداره آنها برپا می‌نمایند.

وقف و فقرو دایی

یکی از اساسی‌ترین فطریات انسان حب ذات اوست. انسان و هر موجود باشعور خود و بقای خویش و نزدیکانش را دوست می‌دارد و از هلاکت و نابودی متعلقات خود بیمناک و گریزان است. این حس خودخواهی و دنیاپرستی در کنار خصایص دیگر

همچون بخل و کینه و حسد در نهاد همه انسانها کم و بیش وجود دارد ضمناً ضد این خصایص نیز در وجود او نهفته است، خصایصی همچون حس ترحم، نوع دوستی، و بخشش.^(۳۷) فلسفه و اساس تعالیم الهی، ایجاد تعادل بین این نیروهای فطری انسانها است در غیر این صورت ممکن است انسان از حیوانات، درنده‌خو و پست‌تر گردد و نسبت به تضییع حقوق همنوع خود بسیار شدید و وحشیانه عمل نماید. بطوری که همه امکانات مادی جهان را با توجه به حس سیری‌ناپذیر تملک و تصاحب، از آن خود نماید. شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی مالکیت، را امری اجتماعی و اعتباری می‌داند و منشأ قبول هر مالکیتی را در همان جامعه و حقانیت بستگی به نوع فرهنگ آن جامعه تلقی می‌نماید در تعریفی که از مالکیت ارائه می‌نماید، مالکیت را «رابطه اجتماعی و قراردادی میان یک فرد یا یک گروه با یک موضوع» می‌داند که بر اساس ملاکهای هر جامعه، مشروعیت آن و میزان تصرف در آن موضوع تعیین می‌گردد.^(۳۸) ولی سؤالی که مطرح اینک چرا باید در جامعه عده‌ای فقیر و ناتوان و عده‌ای دیگر ثروتمند و پرتوان وجود داشته باشند؟ آیا ثروتمندی عده‌ای مبتنی بر ناتوانی عده‌ای دیگر نیست؟ آیا در جریان توسعه و گذر از حالت توسعه‌نیافتگی به توسعه‌یافتگی چاره‌ای نیست که ناظر توزیع ناعادلانه درآمدهای ملی باشیم؟ و هر قدر که برنامه‌ای دولتی در جهت توزیع درآمد ملی عادلانه باشد باز هم نابرابری روی می‌دهد و گریزی از آن نمی‌باشد؟

حقیقت آن است که بسیاری از اقتصاددانان و نظریه پردازان اقتصادی پاسخ مثبت به سؤالات مذکور داده و معتقدند که دولت بایستی از طریق دیگری مانند اجرای برنامه‌های عدالت اجتماعی به توزیع مجدد درآمد بپردازد و برنامه‌های فقرزدایی را بطور جدی اجرا کند تا از میزان گسترش فقر کاسته شود. برنامه‌های فقرزدایی فقط مربوط به این دوران نیست بلکه به انحای مختلف از گذشته‌های دور به طرق مختلف و شیوه‌های گوناگون متناسب با وضعیت جامعه اجرا می‌گردیده است. وقف اموال و دارایی‌ها و صرف عواید و منابع آن در جهت فقرا و نیازمندان عام و خاص به صورت اجرای برنامه‌های آموزشی، بهداشتی، تحصیلی، تفریحی، دینی و پرورشی یک شیوه معمول از گذشته‌های دور تاکنون بوده است.

سرپرستی سایکس* در خاطرات خود به سال ۱۸۹۰ در این باره خاطر نشان می‌سازد که: «...والی (کرمان) در صدد بوده که به وسیله توزیع بلیط مجانی (اغانه) و تهیه نان برای بینوایان، فقر و فاقه کرمان را براندازد ولی من پیشنهاد کردم که در ازای مبادرت به این اقدام به تسطیح طرق (جاده‌سازی) پردازد تا هم مردم بیکار مشغله‌ای پیدا کنند و هم کار مفیدی برای کشور انجام بگیرد. فرمانفر ما سرانجام به واسطه نبودن مهندس ناچار همان طریق اولی را اتخاذ و کلیه خوانین شهر را نیز وادار کرد که در این کار خیر شرکت نمایند...» البته ناگفته نماند سنت نبوی وقف در طول تاریخ دچار فراز و نشیب‌هایی گردید و به علت سستی ایمان و اعتقادات مردم و حوادث و ناگواریهایی گوناگون مانند جنگها و بلاهای طبیعی از شکل و فلسفه اصلی خود دور ماند و اراضی و اماکن و باغات و موارد وقفی به تصرف افراد غاصب درآمد و بعضاً تغییر حالت پیدا کردند و یا به تصرف این و آن درآمد و مورد خرید و فروش واقع شد بطوری که هیچگونه نشانی از آنها برجای نماند، و در صورتی که اگر به درستی و طبق نظر واقف اداره می‌گردید می‌توانست بسیاری از مشکلات مالی و فقر و فاقه مردم را از بین ببرد.

اصل عدالت اجتماعی با همه اهمیت که در قرآن دارد و مناسفانه در فقه ما مورد غفلت واقع شده، در حالی که از آیاتی چون «و بالوالدین احساناً» و «او فو بالعهود» عموماً در فقه به دست آمده ولی با همه تأکیداتی که در قرآن کریم بر روی مسأله عدالت اجتماعی صورت گرفته یک اصل عمومی و قاعده مشخص در فقه از آن استنباط نشده است. با توجه به فراگیری و جامعیت فقه بدین معنی که فقه تمامی عرصه‌های زندگی بشر را در بر می‌گیرد و به تعبیر دیگر «تئوری واقعی و کامل اداره زندگی انسان و اجتماع از گهواره تا گور است»^(۳۹) انتظار می‌رفت فقه در این زمینه پویاتر عمل می‌نمود.

در واقع مبتکر نگاه حکومتی به فقه حضرت امام خمینی (س) بود و همین اصل بود که فقه را از انزوای زندگی فردی خارج ساخت زمانی که آن حضرت می‌فرماید با همین اوقاف ما فقرا را غنی می‌کنیم، سخن اقرار آمیزی بیان نموده‌اند بلکه به درستی

امکان پذیر است. با تمهیداتی که اسلام در موارد اقتصادی پیش بینی کرده هدفش جلوگیری از دو قطبی شدن جامعه به فقیر و غنی است و از طریق پرداخت خمس و زکات و انفاقات و صدقات قصد داشته تعدیل ثروت صورت گرفته و افراد بطور اختیاری به این امر اقدام نمایند. بنابراین وقف می تواند نقش توزیع مجدد درآمد بین افراد را ایفا نموده و جامعه را به سمت توازن اجتماعی هدایت نماید.^(۴۰)

نیازهای فوری و اساسی اجتماعی جامعه ما

برخی از صاحب نظران اروپایی موافق کمک رسانی به افراد نیازمند و فقیر اجتماعی نیستند و هرگونه اقدامی در این جهت را تشویق تن پروری و حمایت از بیکاران و تبلی آنان می پندارند حتی در قرن هیجدهم برخی از متفکرین فقر را محصول کم کاری و شرارت و بی بند و باری افراد می دانستند و با سرزنش آنان سعی در توجه اعمال و اعتقادات خود داشتند.^(۴۱)

نظریه دارویمیم اجتماعی* خلاف نظریه تأمین اجتماعی است. کسانی مانند مالتوس**، اسپنسر*** و سامنر**** معتقد بودند فقر جزئی از فرآیند تنازع بقاع اصلح و غیر اصلح است و همین امر موجب می گردید که آنها به شدت با قانون فقر**** که در سال ۱۶۰۱ در انگلستان به تصویب رسیده بود مخالفت ورزند. آنها عدم کمک رسانی و تأمین فقرا را جزئی از نظام طبیعت و ناشی از تفاوت های فردی افراد جامعه می دانستند و آن را امری مطابق مشیت الهی می پنداشتند.

در اسلام و بینش دینی و الهی مسلمانان، ضمن قبول تفاوت های فردی افراد اجتماع که ناشی از تفاوت در خلقت آنان است مانع از آن نمی باشند که از فقر و مستمندان دستگیری

*Social Darwinism

**Malthus

***Spencer

****Sumner

*****Poor Law

به عمل نیاید. فقر و استضعاف یک پدیدهٔ تجربی و ضروری و دائمی جامعه نمی‌باشند و برخلاف برخی جامعه‌شناسان کارکردگرا* برای حفظ تعادل جامعه ضروری نیست، بلکه این پدیده یک عارضهٔ مصنوعی و طبعی است که در درجهٔ اول حکومت اسلامی و در درجهٔ بعدی مردم موظف به از بین بردن آن می‌باشند.

قبل از ادامه موضوع بد نیست به تعریفی از نیاز پردازیم. شاید بهترین تعریفی که دربارهٔ نیاز صورت گرفته باشد و سیله آبراهام مازلو** روان‌شناسی اتریشی صورت گرفته باشد.^(۴۲) او مدل طراحی شده‌ای را ارائه می‌دهد که نیازهای انسان براساس سلسله مراتبی، طبقه‌بندی و تنظیم گردیده و معتقد است که نیازهای هر سطح معین باید دست‌کم تاجدودی ارضاء شوند تا نیازهای سطوح بعدی بتواند به صورت عوامل تعیین‌کننده وارد عمل شوند. مثلاً وقتی دستیابی به غذا و امنیت جسمانی مشکل باشد، ارضای آن نیازها بر اعمال فرد مسلط خواهد شد و انگیزه‌های سطح بالاتر اهمیت چندانی نخواهد داشت.^(۴۳)

به عقیده وی زمانی که نیازهای اساسی ارضاء شوند، آن وقت آدمی می‌تواند وقت و نیروی خود را صرف علایق ذوقی و فکری کند. کوششهای علمی و هنری در اجتماعاتی که مردم باید برای غذا و مسکن و ایمنی مبارزه کنند، هیچگاه شکوفا نخواهد شد.

اگر هدف راهبران و نخبگان یک جامعه بر مبنای رفع نیازهای اساسی افراد جامعه باشد این عدل می‌تواند آنها را به تفکر دربارهٔ چگونگی برآوردن آن نیازها ترغیب نماید. رفع نیازهای اساسی مردم جامعه مانند غذا، پوشاک و مسکن ارضای غرایز جنسی و امثال آن از فوری‌ترین و مبرم‌ترین نیازهای اولیه هر انسانی است.^(۴۴)

به نظر می‌رسد جامعه ما از نظر مشکلات اجتماعی دچار مشکلات ازدواج جوانان، اشتغال، مسکن و غیره می‌باشد و عدم حل این مشکلات که به تنهایی از عهدهٔ هیچ دولتی بر نمی‌آید، منشاء سایر مشکلات و معضلات اجتماعی از قبیل اعتیاد، دزدی، فحشاء، جنایات و گرفتاریهای دیگر می‌باشد. زمینهٔ اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای مستقیماً بر سلسله مراتب ارزشها و نیازها اثر می‌گذارند و در اخذ تصمیمات جامعه سهم بسزایی

دارند. در هر حال کمک به دولت در احداث و تولید مسکن مورد نیاز اقشار مختلف جامعه، سرمایه‌گذاری در امر تولیدات گوناگون صنعتی و کشاورزی، مشارکت مردمی در احداث مدارس و آموزشگاههای گوناگون فنی و حرفه‌ای و پروژه‌های مختلف عمومی می‌تواند منشاء خیر و برکتی برای جامعه محسوب گردد و این امری است که با ترویج و آموزش سنت حسنه و وقف بخوبی می‌تواند جامعه عمل بپوشد و افراد خیر و نیکوکار را در این قبیل امور تشویق به همکاری نماید.

به اعتقاد پرفسور اهلرز، چهار کارکرد اصلی تهیه و تدارک قسمت اعظم وظایف و وقایع و مراسم دینی در شهرها کمک‌های گوناگون به فقرا و بینوایان و دانش‌آموزان مدارس شهری، تأمین مسکن ارزان‌قیمت برای مردم کم‌درآمد و واگذاری زمینهای وقفی به صورت اجاره طویل‌مدت به مردم و کارآفرینی از نظر اهمیت اجتماعی - اقتصادی نهاد وقف را در شهرها بیش از همه در خور توجه نموده است.^(۲۵)

همچنین بنابر نوشته استاد شفق‌ی باید وقف را از نظر اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی جزو مظاهر خاص توسعه و رفاه جامعه بدانیم زیرا ثروت جامعه بدون خونریزی از دستی به دست دیگر منتقل و موجب می‌گردد که ثروت بطور یکجا در اختیار یک طبقه متمرکز نگردد.^(۲۶) وقف موجب می‌گردد که همه اعضای یک جامعه از ثروت یک فرد متمکن بهره‌برند و نوعی تعدیل ثروت صورت پذیرد. این عمل منجر به نوعی اصلاح اجتماعی گردیده و شکاف طبقاتی را کاهش می‌دهد.

نتیجه

علی‌رغم دقت نظر و توجهات فراوانی که واقفین در طول دوران گذشته به خرج داده‌اند که از حیف و میل شدن عواید موقوفات و به مصرف درست نرسانیدن آن جلوگیری نمایند و با ذکر لعن و نفرین‌های فراوان مانند:

«..تغییر دهنده وقف مزبور و تبدیل‌کننده شرح مسطور و هر کس به خلاف شرع اقدس تصرف در موقوفات مزبوره یا طمع در آنها کند یا به شرط مرقومه خلل رساند به غضب و لعنت الهی و نفرین حضرت رسالت پناهی و جمله انبیاء و مرسلین و ائمه

طاهرین معصومین و ملائکه مقربین علیهم السلام الی یوم الدین و ناس اجمعین گرفتار گردد و در روز عرض اکبر و عرصه محشر در برابر حضرات خیر البشر و جناب حیدر صفا و باقی ائمه اثنی عشر شرمنده و مؤاخذه و روسپاه باشد.»^(۴۷)

همچنین ذکر آیه شریفه ۱۸۰ از سوره بقره در اواخر وقف نامه‌ها: «... فمن بدله بعد ما سمعهم فانما اثم علی الدین یبدلونه ان الله، سمیع علیم» پس هر گاه کسی پس از شنیدن وصیت آن را تغییر دهد و (به منافع اشخاص) بر خلاف حقیقت رفتار کند گناه این کار بر آنهاست که عمل به خلاف وصیت کنند و خداوند به هر چیز که خلق گویند و کنند شنوا و دانا است» سعی در تنبه متولیان داشته‌اند، ولی متأسفانه بر اثر حوادث ناگوار اجتماعی مانند جنگ، قحطی و انقلاب، حوادث طبیعی مانند زلزله، سیل و آتش سوزیها و یا بیماریهای سل، وبا و طاعون حفاظت و حراست از موقوفات دچار دگرگونی گشته، از حالت مصرف عمومی و اجتماعی به مصرف شخصی درآمدند. ناگفته نماند که دخالت‌های جاهلانه و تعمدی افراد بی‌ایمان و اعتقاد، تأثیر بیشتری در این گونه دگرگونی‌ها داشته و غاصبانان و به ناحق مورد وقف به تملک غیر درآمده و یا منافع آن در راه غیر نظر واقف مصرف گردید.

وقف یکی از راههای تأمین نیازهای رفاهی و اقتصادی و اجتماعی است و یکی از طرقی که اسلام بطور طبیعی و با استفاده از حس خیرخواهی مردم انجام داده است مشارکت و دخالت مردم در تأمین نیازهای عمومی جامعه است. برای بخشهایی از جامعه کارآفرینی کردن، تأمین نیازهای کارافتادگان، رفع کمبودهایی که در بخشهایی از جامعه وجود دارد از جمله اموری است که با توسل به وقف می‌توان به رفع آنها دست یافت. وقف در بعد فرهنگی باروش درستی که می‌تواند داشته باشد و در گذشته نیز داشته است، یکی از پایه‌های گسترش اندیشه و تفکر و بخصوص تفکر اسلامی می‌باشد.

در شهرهایی که دارای موقوفات بیشتر هستند، مانند شهر اصفهان، در آنها نوعی تعادل اجتماعی و اقتصادی وجود داشته و دارد و بدین وسیله فقر و تهیدستی و به عبارت دیگر فاصله طبقات اجتماعی که دامنگیر شهرهای دنیای قرون اخیر شده است. در آنها کمتر یافت می‌شود.^(۴۸)

به منظور رشد و شکوفایی این سنت نبوی در جامعه مسلمانان ایران که دارای حکومتی اسلامی است و بنا دارد بر اساس اصول و ضوابط اسلامی که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی است اداره شود و طنین «الله اکبر» میلیونها مسلمان رادر دنیا منعکس سازد و انقلاب اسلامی را تداوم بخشد، ضروری است که با این سنت خداپسندانه برخورد جدی‌تری به عمل آورد. از آنجا که دولت و وظیفه دارد تأمین اجتماعی را به مفهوم برخورداری عموم مردم جامعه از نظر مزایای بازنشستگی، بیمه بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره ایجاد نماید^(۴۹) و وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه آحاد ملت تا پایان دوره متوسط و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور بطور رایگان فراهم و گسترش دهد؛^(۵۰) مسکن متناسب با نیاز افراد جامعه با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستائینان و کارگران را فراهم آورد؛^(۵۱) پیشنهاد می‌گردد که:

۱- سازمان اوقاف و امور خیریه و بخصوص اعضای کمیسیون ماده ۲ قانون مربوط به استرداد موقوفات فروخته شده جدیدت بیشتری در راه استرداد و احیای اوقاف گذشته به عمل آورده و این امر به طرق مقتضی به اطلاع عموم رسانیده شود. این کوشش می‌تواند موجب دلگرمی واقفین آینده به اجرای این سنت دیرینه گردد.

۲- همانطور که در اصل چهل و نهم قانون اساسی آمده دولت از طریق سازمان مذکور و به کمک مراجع قضایی موظف است ثروتهای ناشی از سوءاستفاده از موقوفات را گرفته و به صاحبان حق رد کند این امر می‌تواند رویه‌ای برای تنبیه متجاوزین و عبرت دیگران باشد.

۳- همانطور که دهه آخر ماه صفر را به نام «دهه وقف» نامگذاری نموده‌اند با تبلیغات و برنامه‌های آموزشی می‌توان این سنت حسنه را به مردم یادآوری و نیازهای فوری اساسی جامعه را با ایشان در میان گذاشته و از آنها بخواهند وقف را مطابق با نیازهای روز جامعه هماهنگ نمایند.

۴- برگزاری مسابقات و اهدای جوایز، دانشجویان و دانش‌آموزان را تشویق به فعالیت علمی و تحقیق در این مورد نمایند.

- ۵- به کارگیری شیوه‌های نوین ثبت و بایگانی رایانه‌ای اموال متصرفی و غیر متصرفی موقوفه و انتشار عمومی جهت آگاهی مردم.
- ۶- اعلام نیاز و کمبودهایی که دولت قادر به سرمایه‌گذاری و رفع مشکلات بیش از آن نمی‌باشد مانند کمبود مدارس و آپارتمان جهت زوجهای جوان.
- ۷- اعلام نیاز و تشویق واقفین به وقف در امور علمی-پژوهشی به صورت دادن بورس تحصیلی به افراد واجد صلاحیت برای ادامه تحصیل در رشته‌های مورد نیاز جامعه.
- ۸- تشویق واقفین به وقف اموال و دارایی‌های خود و صرف عواید آنها در جهت سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در قالب شرکتهایی با شخصیت حقوقی که به ایجاد اشتغال کمک‌شایانی خواهد نمود و رافع مشکلی از مشکلات اجتماعی-اقتصادی خواهد بود.
- ۹- نقش وقف در تألیف قلوب مردم از مسلمان و کافر و حتی کافر حربی (بنابر نظر برخی علما مانند مرحوم آیت‌الله یزدی) نشان‌دهنده هدف اصلی اسلام بر وحدت و انسجام و همبستگی اجتماعی مردم است.
- ۱۰- از فرمایشات رسول اکرم (ص) است که «بزرگترین افراد امت من آنها هستند که نه چندان توانگرند که خود را گم کنند و نه چندان فقیرند که دست به سؤال گشایند.» (۵۲)
- بنابراین توسعه و گسترش وقف گامی است که در جهت زدودن فقر از چهره جامعه و کم کردن فاصله و شکاف طبقاتی جامعه، هر چند وقف و صدقه به عنوان اعمال اخلاقی و مستحبی شناخته شده‌اند ولی در عمل تأثیر بسزایی در تأمین عدالت اجتماعی دارند.
- ۱۱- امروزه مشکل عمده جوانان دانشجوی غیردانشجوی مسلمان نداشتن امکانات ازدواج است و در صورت به تعویق افتادن این امر عواقب اخلاقی و دینی اجتماعی زیادی در بر خواهد داشت. تشویق واقفین به وقف اموال صرف درآمد و موقوفات به این امر می‌تواند یکی از بزرگترین مشکلات اجتماعی را حل و فصل نماید.
- ۱۲- گسترش زمینه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در زمان حال با توجه به گسترش صنعت علم و فناوری می‌تواند به استقلال مالی و اقتصادی افراد بینجامد، تشویق واقفین به این امر و ایجاد مدارس و آموزشگاههایی که در این زمینه فعالیت می‌کنند می‌تواند کمک‌شایانی به اشتغال افراد جامعه نماید.

منابع و یادداشتها

- ۱- اصول کافی، جلد اول، به نقل از درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ص ۳۲
- ۲- مراسم گرامیداشت هفته وقف، میراث جاودان، شماره ۲۶-۲۵، سال هفتم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۰
- ۳- همان منبع، ص ۱۱
- ۴- عمید، حسن: فرهنگ فارسی عمید مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هیجدهم، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۰۷۴
- ۵- همان منبع، پیشین
- ۶- معین، محمد: فرهنگ فارسی، جلد چهارم انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۰، ص ۵۰۴۷
- ۷- گلستان سعدی، چاپ فروغی، ص ۱۱۲
- ۸- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، نگاهی کوتاه به سنت نبوی وقف، انتشارات حج و اوقاف و امور خیریه، تهران، آبانماه ۱۳۶۴، ص ۵
- ۹- المیسوط، جلد ۳، ص ۲۸۶، به نقل از وقف میراث جاودان، شماره ۱۸، ص ۳۲
- ۱۰- همان منبع، ص ۶۹
- ۱۱- سلیمی فر، مصطفی: نگاهی به وقف و آثار اجتماعی-اقتصادی آن، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد، ۱۳۷۰، ص ۱۱۹
- ۱۲- مؤمنی، مصطفی: بنیادهای وقفی در آلمان فدرال، ص ۹۵
- ۱۳- همان منبع، ص ۹۷
- ۱۴- وقف در ترکیه، فصلنامه میراث جاویدان، گزارشی از رای زنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ترکیه، شماره ۱۰، سال سوم، شماره دوم، تهران، تابستان ۱۳۷۴، ص ۶۴
- ۱۵- گزارشی از اوقاف مسلمانان در ایالت آندراپرادش هند و فصلنامه میراث جاویدان شماره ۱۲-۱۱، سال سوم، تهران، پاییز و زمستان ۱۳۷۴، ص ۱۱۱
- ۱۶- امیدبانی، سیدحسین: وقف و نیکوکاری در ایران باستان، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، سال ۱۳۵۶، ص ۷۶
- ۱۷- راوندی، مرتضی: تاریخ اجتماعی ایران، جلد چهارم، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴، ص ۷۵۵
- ۱۸- سبتا، عبدالحسین، تاریخچه اوقاف اصفهان، انتشارات اداره کل اوقاف اصفهان، اصفهان،

- ۱۳۶۴، صص ۴۸-۴۶
- ۱۹- شفق، سیروس، وقف در اصفهان، پراکندگی جغرافیایی، موقوفات و آثار اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی آن، سازمان اوقاف و امور خیریه، شماره ۲۰-۱۹، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، صص ۳۸-۲۷
- ۲۰- همان منبع، صص ۳۷
- ۲۱- کارنامه دولت جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۲۵۸-۲۶۰
- ۲۲- شهابی، محمود: تاریخچه وقف در اسلام، صص ۲۵
- ۲۳- سعدی شیرازی، کلیات سعدی، صص ۱۶۳
- ۲۴- جابری عربلو، محسن: فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی (در باب معاملات) مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، صص ۱۸۲
- ۲۵- احمد بن سلمان، ابوسعید: مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، انتشارات سازمان اوقاف، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۸، صص ۴۳
- ۲۶- حجة الاسلام نظام‌زاده: وقف میراث جاویدان، شماره ۲۶-۲۵، صص ۱۳
- ۲۷- کلیات سعدی، صص ۱۷۶
- ۲۸- همان منبع، صص ۱۸۳
- ۲۹- دوگوبینو، کنت: سفرنامه سه سال در ایران، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، مؤسسه مطبوعاتی فرخی، تهران، ۱۳۶۸، صص ۴۴-۴۳
- ۳۰- سرنا، مادام کارلا: سفرنامه آدمها و آینهها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، انتشارات کتافروشی زوار، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۲، صص ۱۶۷
- ۳۱- نهج‌الفصاحه، حدیث شماره ۲۳۹، صص ۴۶
- ۳۲- سلیمی فر، مصطفی: صص ۵۹
- ۳۳- دورانت، ویل: لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب‌خویی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۶، صص ۴۶۵-۴۶۶
- ۳۴- دورانت، ویل: صص ۲۶۵-۲۶۶
- ۳۵- صدر، آیت‌الله شهید محمدباقر: اقتصاد ما، ترجمه مهدی فولادوند، انتشارات بنیاد علوم اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۰، صص ۵۰۵

- ۳۶- خامنه‌ای، آیت‌الله سید محمد: بیمه در حقوق اسلام، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی تهران، اسفند ۱۳۵۹، ص ۵۵
- ۳۷- مدرسی، س.م.ر.: مقدمه‌ای بر نظام مالیاتی و بودجه در اسلام، انتشارات هجرت، چاپ اول، تهران ۱۳۶۲، ص ۹۸
- ۳۸- بهشتی، محمدحسین: سه مقاله روش برداشت از قرآن، مسأله مالکیت و شناخت، انتشارات نشر هادی، چاپ اول، تهران، بهمن ماه ۱۳۶۰، ص ۵۷
- ۳۹- امام خمینی: صحیفه نور، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول جلد ۲۶، تهران ۱۳۶۹، ص ۹۸
- ۴۰- سلیمی فر، مصطفی: نگاهی به وقف و آثار اقتصادی-اجتماعی آن، ص ۱۶۹، چاپ اول، مشهد، ۱۳۶۸، ص ۵۵
- ۴۱- طالب، مهدی: تأمین اجتماعی، انتشارات بنیاد فرهنگی رضوی، چاپ اول، مشهد، ۱۳۶۸، ص ۵۵
- ۴۲- ادیبی سده، مهدی: مجموعه مقالات و سخنرانیهای برگزیده سمینار نقش سپاه در دفاع امنیت ملی کشور، مقاله تأثیر متقابل توسعه اقتصادی-اجتماعی و امنیت، دیماه ۱۳۷۴، ص ۲۱۵
- ۴۳- هیلگارد، ارنست: زمینه روانشناسی، ترجمه دکتر محمدتقی برهنی و دیگران، جلد اول، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۶۹، ص ۵۶۶
- ۴۴- ازکیا، مصطفی: مردم‌شناسی اقتصادی، انتشارات شماره ۴ دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۴، ص ۳۱
- ۴۵- اهلرزی، پرفسور اکارت: موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی، ترجمه و نگارش از مصطفی مؤمنی و محمدحسن زیاء‌توانا، میراث جاویدان، شماره ۱۰، سال سوم، شماره دوم، تهران، تابستان ۱۳۷۴، ص ۵۲
- ۴۶- شفقی، سیروس: وقف میراث جاویدان، شماره ۲۰-۱۹، ص ۳۸
- ۴۷- سپنتا، عبدالحسین: تاریخچه وقف در اصفهان، ص ۷۸
- ۴۸- شفقی، سیروس: میراث جاویدان، شماره ۲۰-۱۹، ص ۳۷
- ۴۹- اصل بیست و نهم قانون اساسی
- ۵۰- اصل سی‌ام قانون اساسی
- ۵۱- اصل سی و یکم قانون اساسی
- ۵۲- مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، نهج‌الفصاحه، ترجمه و گردآورنده ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ نهم، تهران، ۱۳۶۱، شماره ۴۳۷، ص ۸۳